

برگردان : ا.م. شیزلی

برگی از اسناد حزب کمونیست کارگری روسیه



رابطه واقعیات زندگی و شعور انسان

«آنکس که می خواهد شمشیر از کف نهد،
آن برده که می خواهد داوطلبانه در گور رود،
آن به که زودتر از صف خارج شود و کار خود کند.»
ر. برنس

سومین رئیس جمهور روسیه نیز انتخاب شد. البته نه به آن سرعتی که می خواستند. در صحنه سیاسی، فقط، مهره ها عوض می شوند. چهره هائی مثل حیدر، یاولینسکی، خاکامادا، نئمتس اوف و دیگر ایدئولوگهای رفرم رادیکال بازاری از صحنه خارج شدند. اما، میخائیل شوماکوف، رئیس اتحادیه های کارگری زرد روسیه، مهره ای است که، در صحنه مانده است و هنوز خودنمایی می کند. وی از ۵۱ سال پیش در صدر «اتحادیه»

نشسته است و هیچ یک از اعضای اتحادیه نمی خواهند بگویند که، از بودنش چه سود!

واقعا هم، زحمتکشان در صفحه تلویزیونها می بینند که، در کشورهای به اصطلاح متمدن، صدها هزار انسان، با پرچمهای اتحادیه به خیابانها می آیند و از حقوق خویش دفاع می کنند. میزان فشارها بحدی بالا رفته است که اتحادیه ها، با سازماندهی اعتصابات عمومی، فعالیتهای نه تنها، مؤسسات و بخشهای معین، حتی، تمام امور دولتی را نیز مختل می سازند. این در حالی روی می دهد که، حقوق ماهانه و بازنشستگی آنها چند برابر بیشتر از همتایان روسی خود می باشد و قشربندی اجتماعی در کشورهای «سرمایه داری قدیم» تا حدودی کمتر از روسیه امروزی است.

اما، بزرگترین اتحادیه کارگری جهان که ۲۰ میلیون نفر کارگر عضو آن بوده و صاحب ثروت هنگفت (۶-۷ میلیارد دلار) می باشد، به هیچ اقدامی دست نمی زند و در بهترین حالت، فقط به امضاء توافق نامه هائی با حزب حاکم بسنده می کند. شاید، این نتیجه نهائی همکاری و تشریک مساعی آنهاست که، لایه بندی اجتماعی در روسیه تخفیف نمی یابد و هر سال بر تعداد میلیاردرهای روسی اضافه می شود. بطوریکه روسیه از لحاظ تعداد میلیاردرها، جایگاه دوم را در جهان احراز می کند. علاوه بر آن، سران اتحادیه، شرایط راحتی زندگی الیگارشها و صاحبان ثروتهای هنگفت را تأمین می نمایند. تمام مبارزات اعتصابی کارگری روسیه (باراندازان، «دفاع»، فورد)، بدون پیوند با «اتحادیه» انجام می گیرد. پس شوماکوف به چه کاری مشغول است؟ قدرت اعتصابی آنها کو و صندوق پشتوانه اعتصاب آنها در کجاست، بجز همکاری کذائی اجتماعی، شکل مقابله آنها با سرمایه کدام است؟ عدم چنین اتحادیه ای، بهتر از وجود آن است.

سران اتحادیه، به زندگی آرام خود مشغولند، دارائی های اتحادیه پیشین را تصاحب کرده اند، به سهامداران شرکتهای عظیم سهامی تبدیل شده و به حيله گران برنامه

ناشناخته و نامشخص «اصلاحات امروزی» پیوسته اند. بطور کلی، حتی ساده ترین مسئله آنها هم معلوم نیست. مثلاً، حقوق و دیگر درآمدهای آقای شوماکوف چقدر است؟ در آمد وی با حقوق متوسط ۱۳/۵ هزار روبلی کارگر شاغل در بخش صنایع و یا با حقوق متوسط معلمان، چه تناسبی دارد؟ نه، در هر حال بنیانگذاران مارکسیسم بدرستی تأکید می کردند که شعور بر پایه واقعیات زندگی مادی شکل می گیرد.

تشکیلات و سازمان یابی در روند کار، سلاح اصلی زحمتکشان است. امروز، آقایان با کمک عمال و عناصر خود در درون جنبش کارگری، این سلاح را نیز از دست کارگران درآورده و از آنها پنهان ساخته اند.

بمنظور مبارزه موفقیت آمیز برای تأمین منافع اساسی زحمتکشان، پاکسازی صفوف اتحادیه ها ضروری است. باید عناصر و عوامل بورژوازی از داخل جنبش کارگری خارج و طرد شوند. حقوق و درآمد رهبران اتحادیه، باید با حقوق کارگر وابستگی کامل داشته باشد. البته، درست است که این کافی نیست ولی، یکی از شروط اصلی موفقیت می باشد.

برگرفته از سایت افتاب

www.ayenda.org